

ویژه نامه ۷ گروه ائتلافی درباره قانون اساسی و مجلس خبرگان

رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزین آزادی خلق ایران
گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر مبارزان راه طبقه کارگر
اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فیت: هرسال



رفیق ابراهیم نظری (کارگر)

رفیق در سال ۱۳۲۷ در قزوین متولد شده و تحصیلات خود را تا فوق دیپلم ادامه داده است. زندگی در متن روح و کار همدار با کارگران زمینکن میهنان، پشتوانه آشنائی رفیق با درد و رنج طبقه کارگر است. در طول سالهای ۴۶ تا ۵۲ در کارخانجات ایران ناسوسال جنرال موتورز (آرپا - شاهن سابق)، کنسور سازی و ایران دوجرخ کار میکرد و همین خود موجب دیگری بود بر آشنائی ناپذیری وی با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلا و زمیننه مساعی برای درک عینی مسائل، دردها و محرومیت های طبقه کارگر.

رفیق ابراهیم، در سال ۴۸ با مسائل سیاسی بطور جدی آشنا شده و زندگی سیاسی اش را نیز از آن سال آغاز نمود. بدنبال آشنائی با مسائل سیاسی و درک ضرورت مبارزه انقلابی، در سال ۵۰ به سازمان معاهدین خلق ایران پیوست که پس از دموال زندگی مبارزاتی در این سازمان، در اوائل سال ۵۲ توسط جلادان ساواک در اصفهان دستگیر و در بیدادگاه شاه خائن به ۱۰ سال حبس محکوم گشت. در سال ۵۵ - ۵۴ در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون زندان، آندوخته های مبارزاتی وی و درک عمیق از زندگی طبقه کارگر موجب شد که رفیق تغییر ایدئولوژی داده و اندیشه طبقه کارگر را پذیرد. رفیق در اواخر سال گذشته بر اثر مبارزات توده های وسیع خلقهای میهنان از زندان آزاد شد.

رفیق نظری هم اکنون در کارخانه کنسورسازی قزوین کار میکند و پیشنهاد ۷ گروه را برای شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" پذیرفته و بعنوان کاندیدای نماینده این گروهها معرفی شده است.

بقیمه در صفحه ۴



پیام رادیوئی رفیق افخم احمدی خطاب به کارگران، زحمکشان و خلقهای قهرمان ایران:

نیت، سرکوب جنبش ملی خلقها و جنبش های دهفانسی توسط ارتش و کمیته ها و عناصر مرتجع نشان دهنده آن است که دولت کنونی و پیش نویس ارائه شده حقوق ملی و منافع دهفانان را زیر پا می گذارد و از مرتجعین و فئودالها حمایت میکند نمونه آن حمایت دولت از دارو و دسته ارتعای و مزدور قیاده موقت در کردستان میباشد. در مورد قراردادهای اسارت بار نیز پیش نویس قانون اساسی نه تنها سکوت کرده بلکه راه را برای سوبد بری سرمایه داران داخلی و خارجی باز گذاشته است و این در حالیکه بیش از ۶ هزار قرارداد خارجی نه تنها لغو نشده بلکه از دید ما محرمانه هم مانده است. سایر مواد مندرج در پیش نویس چون سیاست دولت در مورد ارتش، در مورد حقوق زن، در مورد نقش ریشس جمهور و... همه و همه حاکی از آن است که نه اسن دولت و نه دولتهائی که پس از این و با این جنبش قوانینی بر سرکار آیند نخواهند خواست منافع دولت زحمت کشان، و آزادی و استقلال کشور را تا مین نمایند. از اینرو کارگران، زحمکشان و دیگر اقشار خلق باید با اتحاد و همبستگی رزمینده خود انقلاب با تمام را کامل کرده و بقایای تسلط امپریالیسم و وابستگی را برای همیشه از کشور ریشه کن سازند و زمیننه را برای حاکمیت واقعی خود و نیتل به جامعه سی طبقه هموارانند. با امید به پیروزی کارگران، دهفانان و زحمکشان و خلقهای قهرمان ایران

پیام رادیوئی رفیق مرتضی آلاپوش



پیام تلوزیونی رفیق در صفحه ۳

ممکن است بگویند که همه کس همین حرفها را میگوید. پس فرق شما با آنها چیست؟ جواب ما روشن است. ما میگوئیم تا وقتی سرمایه داری هست، فقر هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ارتش و پلیس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا - خره تا وقتی سرمایه داری هست، بیماری، دزدی، فحشا، فساد و خیلی چیزهای دیگر هم هست. تازه از همه اینها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منابع ما را غارت میکنند، و زحمکشان ما را هم استثمار میکنند و نمی گذارند ما آزاد و مستقل باشیم. با این جهت است که ما میگوئیم که جامعه را باید از اساس تغییر داد و جامعه ای ساخت که در آن سرمایه داری حاکم نشاند. جامعه ای که ما خواهان آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم بجای سرمایه داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه داران و ثروتمندان نیستند که حکومت میکنند. بلکه کارگران و زحمکشان حکومت را در دست دارند. در جامعه سوسیالیستی همه برادرانه کار میکنند و هرکس باندازه کارش پوره میرود کسیر و بیکار نمی ماند. در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، فرهنگ و مسکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه زحمکشان و کارکنان جامعه، از آزادی کامل بهره مند میشوند.

پیام رفیق ابراهیم نظری

درد بر شهیدای راه آزادی کارگران، دهفانان، زحمکشان و خلقهای قهرمان ایران! من ابراهیم نظری، شغل کارگر، با گرمترین دردها، کاندیدای گروه سیاسی انقلابی، رزمندگان آزادی طبقه کارگر، مبارزان راه آزادی طبقه کارگر، مبارزان راه آزادی طبقه کارگر، مبارزان راه آزادی طبقه کارگر

کارگران، زحمکشان و خلقهای قهرمان ایران! من مرتضی آلاپوش با گرم ترین دردها، کاندیدای گروه سیاسی انقلابی: رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزین آزادی خلق ایران اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر گروه نبردی برای رهایی طبقه کارگر پیوسته مبارزان راه طبقه کارگر سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نظراتمان را در باره مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی و دولت بیان میکنیم: با توجه به اینکه دولت حاکم یک دولت سرمایه داریست و نمیتواند حامی و حافظ منافع زحمکشان باشد از این رو مجلس خبرگان که توسط این دولت تشکیل میشود نمی تواند منافع مردم زحمکشان را تامین کند. با توجه به این مسئله ما در این انتخابات شرکت نکرده ایم تا در مورد این ماده با آن ماده پیش نویس قانون اساسی بحث کنیم، بلکه نظراتمان این است که برنامه خود را برای مردم زحمکشان میهنان توضیح دهیم: ما خواهان چه جامعه ای هستیم؟ بطور خیلی ساده ما خواهان جامعه ای هستیم که در آن برابری کامل باشد. بولداد و فقیر وجود نداشته باشد. اینطور نباید که یک عده مثل کارگران و دهفانان کار کنند، زحمت بکشند و جان بکنند و یک عده دیگر مثل سرمایه داران بدون اینکه به خودشان زحمتی دهند از حاصل کار زحمکشان استفاده کنند. یعنی ما مخالف استثمار هستیم. ما میخواهیم مسکن، رفاه، فرهنگ، بهداشت، تفریح و خلاصه همه چیز متعلق بهم باشد. ما میخواهیم دزدی و فساد و فحشا از بین برود.

کارگران، زحمکشان و خلقهای قهرمان ایران من افخم احمدی با گرمترین دردها، کاندیدای گروه سیاسی انقلابی: رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزین آزادی خلق ایران اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر نبرد برای رهایی طبقه کارگر پیوسته سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نظراتمان را درباره پیش نویس قانون اساسی بیان میکنم. یک قانون اساسی انقلابی را تنها یک دولت انقلابی میتواند تهیه کند. ما بارها و بارها گفتیم و سیاست برسی کارنامه ۵ ماه دولت نشان دادیم که دولت انقلابی نیست. پیش نویس قانون اساسی این مسئله را یک بار دیگر نشان میدهد. پیش نویس قانون اساسی که میبایست نعره بیش از بگال و نیم مبارزه ضد سلطنتی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران باشد، هیچ نشانی از قیام و مبارزه با شکوه مردم ما ندارد. در این پیش نویس تنها خنثی از مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما در میان نیست، بلکه راه این پیش نویس بر وابستگی هرچه بیشتر و بر از دست دادن استقلال باز است. ما در ماده ۵۰ قانون اساسی میخوانیم: "دادن امتیاز انحار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است" این اصل، یعنی قرار داد و دادن امتیاز انحار را مجاز میشمرد.

کارگران ، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران !
من افخم احمدی با گرم ترین درودها ، کاندیدای
گروه سیاسی انقلابی :

- زرمندگان آزادی طبقه کارگر
- مبارزین آزادی خلق ایران
- اتحاد مبارزه در راه آزادی ایران
- گروه نبرد برای رها شدن طبقه کارگر
- بیونست
- مبارزان راه طبقه کارگر
- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نظراتم را در باره مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی و دولت بیان میکنم :

ما بحث خود را با این سوال که آیا مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی میتواند حامی منافع کارگران و زحمتکشان باشد آغاز میکنم :

اظهار نظر درباره مجلس خبرگان و انگیزه های دولت تشکیل آن نمی تواند از روشن کردن حرکت و فعالیت دولت در این ۵ ماه پس از قیام جدا باشد. اما از آنجا که در اینجا فرصت نیست که این حرکات را یک یک بررسی کنیم ، بطور خلاصه نگاهی به فعالیت های یک دولت موقت می اندازیم ، بخصوص که نیروهای انقلابی بیهوده و بیهوده گمونیستها بارها و بارها این حرکات را برای مردم توضیح داده اند .

دولت موقت از همان زمانی که با بهره گیری از مبارزات خونین و قیام مسلحانه خلق ما به قدرت رسید ، به دلیل ماهیت طبقاتی ریز و ریزو بیشتر از تامین منافع کارگران و دهقانان و سایر مردم زحمتکشان دور میشد . در زمینه اقتصادی دست چپا و لنگر و امپریالیستهای غارتگر را به منافع ملی و نیروی کار زحمتکشان باز هم ،

آنان مجاز میشد (۵۸/۲/۱۶) آقای مولوی رئیس بانک مرکزی دولت موقت سرما به داران وابسته فراری را بیهوده ایران فرا خوانده میگردد که امنیت شما را تضمین می کنند . دولت به بهانه حل مسئله نیگاری میلاردها را ل

کنک به سرمایه داران میدهد در حالیکه از سه میلیون کارگر بیکار فقط به ۶۰ - ۵۰ هزار نفر از آنان و ام نا چیزی میدهد آتیم فقط تا شهریور ماه ، و بسیاری سیاست های اقتصادی دیگر آغاز میکنند که در جهت حل بحران اقتصادی و تامین منافع زحمتکشان و کارگران بوده

بلکه در خدمت پاسخ دادن به منافع سرمایه داران می باشد . در زمینه سیاسی قراردادهای امارت آور نظامی - اقتصادی و فرهنگی در دست هیئت حاکمه و در کشور وزارت - خانه باقی میماند و متن آنها از مردم مخفی نگه - داشته میشود ، آزادی های دموکراتیک سرکوب میشود ، نگاهی به میتینگ ها و حمله افراد معلوم الحال بیه

آنها ، حمله به دفتر روزنامه ها ، اعتصابات ، نظارات و ضمن های کارگران و بخصوص کارگران بیکار و بکلوله بستن آنها که نمونه های آن را چندین بار در اطهران در مورد کارگران سیکار و در کارخانه های رسی منوی زحمتان دیدیم همه و همه نشان از آن دارد که قدرت حاکمه در

مد محدود کردن آزادی است که مردم در طول مبارزه کمال گذشته خود بدست آورده اند . مسئله دیگر ، مسئله برخورد دولت به حقوق خلقهاست ، خلقها خواهان خود - مختاری با حفظ وحدت و یکپارچگی در ایرانی مستقل و دموکراتیک میباشند اما دولت و رادیوتلوویزیون حامی دولت آنها را تحریه طلب میخوانند و میخوانند شهرهای

کردستان را زیر تسلط ارتش در آورند . البته خلق شجاع کرد همچنان زیر بار آن نرفته و اکنون درمیروان می بینیم که چگونه مردم زندگی در بیابان را به زندگی در زیر بار ظلم و ستم ارتش ترجیح دادند .

دولت ایران دهقانان چه کرده است ؟ هر روز می شنویم که در مناطق مختلف مثل کردستان ، ترکمن صحرا ، بلوچستان و فارس خانها و قودالها دست به اذیت و آزار دهقانان و حتی بیرون کردن آنها از زمین هایشان زده اند . بجای اینکه حکومت به مجازات آنها بپردازد از طریق ژاندارمری آنها را مسلح کرده است . دولت کی و کجا حتی یک نفر از این خانهای مرتجع و مجازات کرده است ؟

در عوض می بینیم که دولت با تمام ابزار سرکوب خود و با استفاده از کمیته ها همین دهقانان را بیهوده کلوله بسته و تعداد کثیری از آنها را شهید کرده است . چرا باید برادران و خواهران زحمتکشان در سنجند ، نده و گشته صحرا این چنین بیگانه گشته باشند ؟ چرا باید دولت انقلابی از افراد گارد جاویدان منصور

پیام رادیویی رفیق افخم احمدی

که بازسازی شده است در سرکوب مردم زحمتکشان میهن ما که در سرنگونی رژیم مغفوری پهلوی نقش تعیین کننده داشته و شهدای بسیاری برجا گذاشته اند ، استفاده کنند . دولت در عوض توجه به خواستهای خلقهای ستم کشیده ایران و تشا منبروهای خود را چه از نظر تبلیغاتی و چه از نظر نظامی برای برآوردن انداختن جنگ و برآوردن سنج کرده است . مگر کردها ، عربها و ترکمن ها چه کرده اند ؟ آنها خواهان دخالت در امور مربوط به خود هستند ، در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک خواستار خود مختاری میباشند . اما دولت که چشم دیدن دخالت مردم در امور خویش را ندارد و می خواهد مثل سابق عدهای رهبر باشند و بقیه از آنها اطاعت کنند . به تحریکات و جنگ افروزی پرداخته است . دولت کتبی به نابودی شورا های شهری و روستایی در این مناطق زده است .

کارنامه های ۶ ماهه دولت موقت ، ناراضگیهای روز افزون مردم از سیاست دولت و نیروهای حاکم و اوج گیری اعتراضات و مبارزات آنهاست که وضعیت دولت را روز به روز ناآرامتر و متزلزل میکند . به همین جهت است که دولت میخواهد هرچه زودتر قدرت خود را تثبیت کند .

روشن است که دولت با چنین انگیزه های از تشکیل مجلس نمیتواند قانون اساسی ای را به تصویب برساند که

هیچ قانونی که داشتن کار، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش رفاة اجتماعی طبقه کارگر و توده ها را تأمین و تضمین نماید، در تمام پیش نویس بیستم نمیخورد

منافع توده ها و کارگران را برآورده سازد و این قانون اساسی تنها منافع سرمایه داران و طبقات حاکمه را تأمین خواهد نمود . متن پیش نویس قانون اساسی هم در صورت تصویب حکومت سرمایه داران را با رد دیگر قانونی خواهد نمود و بالا و پایین شدن یکی هدف و تغییرات و اصلاحات در آن هیچ شنیبیری در واقعیت و هدفهای آن نخواهد داد و ما خود نیز امید به اطلاع آن نیستیم . ولی برای آنکه دقیقاً روشن سازیم که ما بهیئت واقعیت این پیش نویس چیست چند ماده آنرا توضیح میدهم .

مهمترین خواستی که توده ها ما در تمام طول قیام در بی آن بوده کوهنا شده دست امپریالیستها از ایران بود . انقلاب ما که یک انقلاب ضد امپریالیستی بود ، با حاکمیت قدرت حاکمه ، کنونی به هدفهای خود نرسیده پیش نویس قانون اساسی نیز این وابستگی را قانونی میکند . در اصل هم پیش نویس قانون اساسی آمده است که دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز به انحصارات بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است . این ماده به زبان سی زبانی وابستگی به کشورهای امپریالیستی را مجاز دانسته و تنها خواستار تصویب مجلس شورا است . واضح است مجلس شورا کی در زیر لوی چنین حکومتی تشکیل شود لحظه ای در تصویب آن دریغ نخواهد کرد . مردم ما قطع کامل وابستگی را میخواهند و پیش نویس قانون اساسی بدون آنکه هیچ ماده ای را دال بر ضد امپریالیست بودن انقلاب مقرر کند ، تصویب امتیاز به خارجیان را مشروط به مجلس شورا میکند . ماداره و ملی کردن سرمایه های وابسته که طی سالیان دراز مردم ما را به خاک میساخته نشاند به فراموشی سپرده شده است . حال آنکه یک قانون اساسی انقلابی و یک دولت انقلابی باید با معادله کردن سرمایه های خارجی ، با در دست گرفتن منابع وابسته و وابستگی به امپریالیسم را برای همیشه خاتمه دهد و ایرانی مستقل آزاد بوجود آورد . مسئله دیگر مسئله حقوق ملی خلقهاست . تمام مردم ما در سالهای گذشته از دیکناتوری و جنا پنهانی رژیم پهلوی زجر بسیار کشیده اند و همه و همه ، بلوچ و فارس در مبارزه علیه شاه و سرنگونی رژیم مغفور سلطنت دهاست فعال داشتند . خلقهای کرد و بلوچ و ترکمن و عرب و ..

سهم دیگری را تحمل میکردند و آن ستم ملی است . آنها حق نداشتند بزبان ملی خود صحبت کنند و با بنویسند ، آنها حق نداشتند امور خود را خود اداره کنند و ... از همین رو آنها اکنون خواستار رفع ستم ملی و شناسایی حق تعیین سرنوشت خود هستند اما چگونه است که بعد از قیام در مقابل اولین خواست خود که همانا بدست آوردن حق خود مختاری در چارچوب وحدت و یکپارچگی ایران میباشد در کردستان ، خوزستان و ترکمن صحرا و .. به کلوله و خمیازه بسته میشوند ؟ در پیش نویس قانون اساسی تنها یک اصل مهم و گنگ درباره این مسئله مهم طرح شده است . اصل ۵ - اینکه همه اقوام برابرند مگر به حکم تقوا . مگر میشود در مورد تقوای یک قوم نظر داد و این چکار به آزادی خواهی و حقوق خود مختاری دارد . آیا با کلمات مبهم و گنگ در یک قانون که سرنوشت آینده جامعه را تعیین میکند ، میتوان به این مسائل پاسخ داد ؟ دولت پیش نویس قانون اساسی باسکت گذاشتن مسئله آزادی به آشیاب دشمنان انقلاب ایران و امپریالیستها مبریزند . یک قانون اساسی انقلابی و یک دولت انقلابی حق خود مختاری در تعیین سرنوشت را قانونی نموده و ملیت های مختلف را در تعیین سرنوشت خود آزادی می گذارد . مسئله دیگری که بسیار مهم بوده و بدان توجهی نشده ، مسئله زنان است . قانون اساسی به هیچ عنوان مسئله حقوق زنان را در نظر نگرفته است و تنها به گفتن این اصل مبهم کزن و مرد در مقابل قانون مساویست اکتفا کرده است . اما کدام قانون ؟ آیا منظور قانونی است که بدون اجازه تفاوت نمیدهد ، ارتزن را نصف مرد تعیین میکند ، تعدد زوجات را آزادی می گذارد ، حق طلاق را به مردان می دهد و ... ما باید به جای این قوانین مبهم به فکر قوانینی باشیم که آزادی زنان را از هر نظر تا مین کند . مزد مساوی در مقابل کار مساوی ، حق مسافرت ، حق طلاق و حق داشتن هر شغلی که زنان بدان مایل باشند ... رابه آنان بدهد . آیا قانون اساسی به این خواست پاسخ داده و آیا با این وجود ، این یک قانون اساسی انقلابی است ؟ در یک قانون اساسی انقلابی حقوق زن بطور کامل مساوی در مقابل مردان تأمین و بطور روشن و دقیق توضیح داده میشود . در مورد حقوق کارگران و زحمتکشان و خلقها و حمایت از منافع آنان ، و پایان بخشیدن به استعمار و بهره کشی هیچ سخنی به میان نیامده است ، هیچ قانونی که کار ، مسکن ، بهداشت ، آموزش و رفاه اجتماعی طبقه کارگر و توده ها را تأمین و تضمین نماید ، در تمام پیش نویس بیستم نمیخورد . علت آن هم واضح است . این نه پیش نویس قانونی حامی کارگران و زحمتکشان و خلقها ، بلکه پیش نویس قانونی است که از منافع سرمایه داران دفاع میکند . حال آنکه در یک قانون اساسی انقلابی تمام موارد تأمین مسکن ، بهداشت ، شرایط کار مناسب ، ساعت کار حداکثر ۴۰ ساعت و تأمین رفاه خانواده ، حقوق بازنشستگی ، و غیره و غیره ذکر می شود .

در مورد بسیار چیزها از قانون اساسی میتوان سخن گفت . محدود کردن آزادیها با " اگر و مگر " ها ، اختیارات نامحدود رئیس جمهور که او یک دیکنات میسازد و تمام مملکت را بدست یک نفر می سارده و ... وجود شورای نگهبان که به آنها حق توی تصویب قوانین را میدهد ، که بسیاری از نیروهای مترقی و دموکرات و کمونیست ها از آن سخن گفته اند . ما معتقدیم آزادی جدا از استقلال مفهومی ندارد . به این علت وجود این مواد با توجه به وابستگی ما به امپریالیسم تبعی می ندارد .

اما ما باز هم آنچه که در ابتدا گفته ایم تکرار میکنیم ، این دولت علیرغم آنکه خود را دولت "مستقل" میدانند ، علیرغم آنکه چنین وانمود میکنند که حامی کارگران و زحمتکشان است اما کارنامه ۵ ماهه اش و پیش نویس قانون اساسی و اصول خود مجلس خبرگان جز این را نشان میدهد و بدون علت این مجلس با این پیش نویس نمیتواند مورد قبول کارگران و زحمتکشان شود .

خلقها و روشنفکران انقلابی و دموکرات بوده و منافع آنان را تأمین نماید . آنچه که در مورد چنان چنینی و چنان جا نشانها می میباشد ، نه این پیش نویس و نه این مجلس بلکه یک مجلس دموکراتیک و مردمی شامل نمایندگان واقعی زحمتکشان شهر و ده و کارگران و خلقها می باشد ، و فقط این مجلس است که می تواند یک قانون اساسی واقعی بر اساس منافع توده ها را تصویب نماید .

ادامه از صفحه اول

دنباله پیام رادیویی رفیق آلابوش:

برخوردارند. هر عقیده و مذهب و مرامی آزاد است و هیچکس را بخاطر عقیده اش اذیت نمیکنند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکنند. در جامعه سوپا - لیستی از دزدی و فساد و فحشاء خبری نیست. چسبون علت همه اینها فقر است. و وقتی دیگر کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار شرافتمندانه وجود دارد. وقتی جامعه سوپالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی صنعتی و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر استثمارگر و استثمار - شونده وجود نداشت، وقتی جامعه اقتدر جلو رفت و پیشرفت کرد که هرکس به اندازه توانایی اش کار کند و بقدر احتیاج از تولیدات جامعه استفاده کند. آن - وقت ما می گوئیم که جامعه اشتراکی با کمونیستی است. البته ما می دانیم که ساختن جامعه سوپالیستی و جامعه بی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غیره خبری نباشد کار امروز و فردا نیست، احتیاج به زحمت و کار زیاد دارد و به خصوص احتیاج دارد که زحمتکاران و بخصوص کارگران که سازنده جامعه سوپالیستی هستند، خوب تشریفناکند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگی مزدور داخلی آن میباشد برنامه حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، معادله سرمایه هسای خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای

امپریالیستی و سلطه طلب، محو کامل بقایای فئودالیسم و سپردن زمین به دهقانانی که روی آن کار میکنند، شرکت کارگران در اداره و نظارت موسسات تولیدی، سرکوب کامل ضد انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلفانی کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، تا مبن حقوق و آزادهای اساسی زحمتکاران مانند حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکا ها و اتحادیه ها، نظاهرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق به رهبری طبقه کارگر است. اما دولت کنونی نه تنها این کارها را نمیکنند، بلکه ما را که از منافع زحمتکاران دفاع میکنیم، متهم به اغلاگری میکند و سما میگوید اغلاگر، به کمونیستها تهمت میزند و اجازه نمی دهد تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها آطور نیستیم که مخالفین ما می - گویند و آنها شیکه آگاهی کافی ندارند باور میکنند. مخالفین ما به ناروا می گویند که کمونیست ها میخواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. ایسن یک تهمت نادرست است. بکن کمونیستها میخواهند هر - گونه فساد را از بین ببرند و زنان هم با مردان مساوی باشند. آنها می گویند کمونیستها می خواهند با خدا محاربه کنند. در صورتیکه مسئله این نیست و همانطور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و مرام و مذهب برای همه هستیم. یعنی ما می گویند درست است که کمونیستها رفاء مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از معنویات خبری نیست. این هم نادرست است. در جامعه کمونیستی معنویات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش

برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکند. بعضی ها میگویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این هم درست نیست. کمونیستها واقعی فقط به زحمتکاران و بخصوص کارگران تکیه دارند. اگر از این آدمها بپرسید دلیل و مدرکتان چیست حزبی را مثال می آورند که به ثوروی وابسته بوده و می - گویند این حزب میخواد ایران را به ثوروی وابسته کند. ولی این مطلب ریبلی به کمونیستها واقعی ندارد. کمونیستها واقعی با هر نوع وابستگی، سپر کس که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه هر دولت دیگر، کاملاً و جداً مخالفند. کمونیستها واقعی با هر کس که بخواد ایران را وابسته کند مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخست شاه بودند و شاه خائن هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه، ایران را به آمریکا وابسته کرده بود. بطور کلی دو دسته افراد این اتهام ها را به کمونیستها میزنند. یک دسته آنها شیک هستند که منافع شان، با خواستهای کمونیستها، به خطر می افند. یعنی مفتخورها و سرمایه داران و عمال آنها و دسته دیگر آنها شیکه آگاهی ندارند و کمونیسم را نمی شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده اند و تکرار میکنند. بیژن از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - مان توضیح دهم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامه ما را توضیح خواهم داد. به امید پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکاران و خلفهای قهرمان ایران

درد به شهادی راه آزادی، کارگران، زحمتکاران و خلفهای قهرمان ایران من مرتضی آلابوش با گرم ترین درودها، کاندیدای ۷ گروه سیاسی اشتلاقی: روزندگان آزادی طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر - نبرد برای رهایی طبقه کارگر - بیونست - مبارزان راه طبقه کارگر - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نظرات را در باره شیوه های غیردموکراتیک دولت در انتخابات مجلس خبرگان بیان میکنم. تلویزیون سما ۵ دقیقه وقت داده تا برای اولین و آخرین بار نظرات را بیان کنیم. آیا بنظر شما فقط طرف ذوقیه میتوان نقطه نظرها و برنامه های خود را توضیح داد؟

تراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را بپاره کنند و گسانیکه این تشریفات را بپخش میکنند به وسیله کمیته ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخا - با ش می تواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های اغتیر حاکمه از سیاست هائی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها بوسیله عده ای چماق بدست و عناصر تراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را بپاره کنند و گسانیکه این تشریفات را بپخش میکنند به وسیله کمیته ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی انتخا - با ش می تواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های اغتیر حاکمه از سیاست هائی که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها بوسیله عده ای چماق بدست و عناصر

کوب شدند و دولت در مدد است که شرهائی کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این است معنای آزادی و حاصل قیام بکمال و نسیمه خلق مبارز ایران؟ می بینیم که دولت نه تنها به خواست اکثریت مردم ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، زاندا مرمر و شهرهای تخریب شده نمانده ان سابق دست زده، رکن دو و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساواک را انجام میدهند دوباره بازسازی کرده و نیروهای انقلابی را دستگیر و شکنجه میکند. جرادولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه داران و خانها و فئودالها است؟ چون دولت، حامی سرمایه داران حتی سرمایه داران بیگانه برست میباشد و قصد ندارد و نمی خواهد دست امپریالیستها را از ایران کوتاه کند. اما ما خود چه می گوئیم؟ ما میگوئیم باید دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما می گوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم. ما می گوئیم: باید سرمایه های سرمایه داران وابسته را معادله و ملی کرد و اداره کارخانجات را به شوراهای کارگری سپرد. ما می گوئیم، باید زمین های اربابی را بین دهقانان تقسیم کرد، باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد. ما می گوئیم باید حقوق خلق کرد، عرب، ترکمن و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزاد به رسمیت شناخت. ما می گوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و نظاهرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب تا مبن خود. ما می گوئیم برای اینکه بتوانیم چنین کارهای را انجام دهیم باید کارگران و زحمتکاران خود حکومت را در دست بگیرند.

ارتجاعی با سکوت دولت مورد تائید قرار گرفته روز - نامه هائی که مطابق با با زکو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند به کتاب فروشی ها و روزنامه فروشیها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را بپاره بپاره کرده و به آتش میکشند. مسئولین امر در اینمورد چه کرده - اند؟ هیچ! این است معنی آزادی؟ آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ با اعتصابات آنان با بورژوازی و تهاجم افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حسیق اعتصاب دارند چرا کارگران پاریس مینو را به مسلسل مینهند؟ نیروی ویژه که همان اداره حفاظت سابق است و کارگران بخوسی آن را میشناسند در کارخانه ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرمانا کارگران را سرکوب کنند. آیا کارگران حق نظاهرات برای رسیدن به حقوق حقه خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا اجتماع کار - گران پیکار افغان را به گلگوله بستند و نامرتضی فغان را شاهده کردند؟ چرا دولت در برابر این فاجعه سکوت کرد؟ دهقانان چطور؟ شوراهای دهفانی محدود و سرکوب میشوند، چرا نباید دهقانان زمینی را صاحب شوند که خود روی آن کار میکنند؟ چرا دهقانان نباید توسط بانک ها و پیش خرها مورد ستم قرار گیرند؟ دولت با خلقها چه کرده است؟ خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به اصطلاح آزادی سر -

وقت من به پایان رسید در حالیکه هنوز بسیاری از اتهامات و تبلیغات مسموم کننده ای که بطور مستمر از طریق همین رادیو و تلویزیون علیه کمونیستها واقعی به ذهن شما تزریق میکنند پاسخ نگفته ام. اما علیرغم این محدودیت ها ما همچون گذشته تمام تلاشتان خود را برای افشای واقعیات و بازگو کردن حقایق، تحت هر شرایطی بکار خواهیم بست چرا که حقیقت همیشه منفع شده است. با امید به پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکاران و خلفهای قهرمان ایران

پیام تلویزیونی
رفیق مرتضی آلابوش

ادامه از صفحه اول دنباله پیام رفیق نظری

نظراتشان را درباره مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی و دولت بیان می کنند .
ما نه برای انتخاب شدن بلکه برای بازگویی خواسته های مردم خود به توده هایمان شرکت کرده ایم . چرا که ترکیب این دولت و پیش نویس قانون اساسی آن هیچ وجه فایده به برآورده کردن نیازهای اساسی کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم ما ، چه کرد ، چه ترک ، چه لر و چه عرب نمی باشد . چرا که دولت موقت خواسته های ما کارگران و سرمایه داران را رد یک کاسه می رسد و همه را یکجا مستخف می نامد . سرمایه داران و نیروهای ضد انقلابی در سنگر دولت و مجلس خبرگان جای گرفته اند و همچنان در فتنه با سرکوب ما کار و دهقانان و خلقهای تحت ستم بشوید گذشته ولی در کلکهای فریبنده تر همچنان ما را استثمار کرده و آزادیهای ما را محدود کنند . سلطنت طلبان دیرپوز ، امروز لباس جمهوری اسلامی در بر کرده اند و سرمایه داران زیر مستخفین امروز گردیده و سعی میکنند مانع از رسیدن به حقوق اساسی ما زحمتکشان گردند . چرا که سرمایه دارو کارگر ، خلق و ضد خلق ، در هیچ کجایی این دنیا با پوشش اسمی در کنار یکدیگر قرار نگرفته اند و نمیتوانند هم بگیرند . بلکه برعکس همیشه منافع آنان در جاده های آلوده با هم متفاوت بود و در حال دلد و به اصطلاح خودمان گرگ و میش نمیتوانند از یک چشمه آب بخورند . با حکومت کارگران و دهقانان و زحمتکشان و شهری با حکومت سرمایه داران ، که در این صورت ساز مبارزه با رفقا کاری ، باز چنانچه بسیاری رهاش از دست بر ما بداران ، جریان معطوف زندگی ما کارگران و زحمتکشان را تشکیل خواهد داد . ما معتقدیم که در هر جامعه که استثمارگر است و وجود داشته باشد ، ارتش نیروی سرکوبگر زحمتکشان است و قانون اساسی آن نیز این سرکوبگری را قانونی جلوه می نماید . لذا لازم می بینیم موضع دولت را در قبال خواسته های مردم روشن کرده و بجوابی برای رسیدن به خواسته های اساسی خود مشکل تر شده تا دشمنان طبقاتی تاریخی خود را نابود کرده و خود تشکیل دولت کارگران و زحمتکشان را داده و قانون اساسی آنرا نیز بنامند . گان کارگران و زحمتکشان شیه نمایند و با خون خود آنرا پاسداری نمایند .

حال برای اینکه وضع زندگی خودمان را قسبل از قیام و بعد از قیام (در این مدت ۵ ماهه مقابله کنیم و وضعی را که آرزو داریم به آن برسیم بطور مختصر شرح دهیم تا ببینیم کجای کاریم و یکجا رسیده ایم و بعد از خواسته های ما برآورده شده چه فایده ای تا رسیدن به این خواسته هایمان داریم و چگونه میتوانیم به خواسته هایمان برسیم تا آنرا دنبال کنیم ، اشاره هایی گذشته لازم است .

تا قبل از قیام خونین بهمن ماه طاغوت بود ارتش و ژاندارمری ، ساواک و دستیاران ساواکیش در هر کارخانه ، در هر روستا ، در هر دانشگاه و دانشکده و فخره همه جا تا یک خواست جمعی مطرح میکردیم به هیراتان می گفتند اخلاکگر ، عامل بیگانه ، وطن فروش خاش ، کمونیست ، مرتجع سیاه و سرخ ، در کارخانه ها زور بود و فشار و سرکوب هر حرکت کارگری . سندیکی واقعی ونه نماینده کارگران واقعی ، بغیر از عناصر مخفی که در هر حالتی نمایندگان واقعی طبقه کارگر بودند . همه چیز فرمایشی ، تحت کنترل ساواک ، زیر نظر کارفرما و جفاک دارهاش . تا حرکتی جمعی صورت میگرفت ، تلفن بود ، ژاندارمری ، محاصره کارخانه ها . نگاه به تاریخ مبارزات کارگری در ایران ، بخوبی گذشته ما را نشان میدهد . ما فراموش نکرده ایم سرکوب کارگران کوره یزخانه ها را ، ما فراموش نکرده ایم به مسلسل بستن کارگران جهان چتر را ، در خاستگاه ما جاودانی میماند اعتصاب پرشکوه کارگران نسفت جنوبمان که خربه مرکب را بر پیگر نیمه جان نظام طاغوتی زدند .

مرد ناجیزی میکوفتیم ، خیلی روشن است و قانونش تا قبل از قیام باقی ، برای کارگر و زن و دو بچه اش حداقل دستمزد ۲۱ تومان بود . آنهم کسی ، سال ۵۷ نه سال ۵۵ و سالهای قبل از ۵۰ . سال ۵۷ ما این ۱۲ تومان ما کارگران حبابش را بکنند که چگونه با بیستی زندگی میکردیم .

در قانون کار نظام طاغوتی گنجانیده شده بود که کارگران حق دخالت در مسائل سیاسی را ندارند و فقط به کاندیداهای منتخب میتوانستند رای بدهند . ببینید ،

آبادی کشور بدست ماست و ما سازنده ایران ولی بسا سازندگان آزادی سیاسی نمیدانند ، از این نمونه ها زیاد است ، و در دل کارگران آگاه ما از این زخمهای کهنه فراوان . فقط کافی است دستی رویش بگذارید تا سر دل خود را باز کنند و میدانیم که قانون اساسی طاغوت هم دست آورد خون شهیدان مشروطیت بود که با این روزش درآورده بودند و ما میترسیم از فردا که مبادا خون شهیدان ما با یامل شود .

تا اینکه بجایی رسیدیم که دیگر عرصه بر همه کارگران ، دهقانان ، پیشوران ، مغازه داران ، دانشجویان ، روشنفکران انقلابی تنگ آمده بود . گرانسی ، فساد ، رشوه ، مزد کم ، مالیات ، زورگویی مد چندان شده بود که دیگر نمیتوانستیم و نمیخواستیم به شیوه گذشته زندگی کنیم و همگی شاهد بودیم حرکت ۱/۵ سال اخیر را . در این مدت یکسال و نیم خواب آرام را از چشمان دشمنان خود ، سرمایه داران و اربابان گرفتیم بودیم ، روزی نبود که شهید ندیم و روزی نبود کسه سرمایه دارها ، سرمایه باستان را از ملکیت بیرون نبرند ، چون فاتحه خودشان و سرمایه باستان را خوانده شده می دیدند .

ولی ما هم تشکیلات نداشتیم ، سازماندهی نداشتیم ، برانگنده بودیم و چاره جز ترک درت در مبارزه همگانی نداشتیم و نتوانستیم مستقل با مسائلشان برخورد کنیم و مستقلانه با آنها در مبارزه سهم تویم . رفتیم زیر لوی دیگران ، رفتیم که آنها رهبری ما میکنند ، ولی بعد از قیام آنها مبارزه را بگیریم ادامه ندادند ، نیمه راه کوتاه آمدند و ما شش گردند .

ما خواستمان نامودی امیربالیستها و سرمایه داران وابسته بود و سرمایه داران هم اینرا خوب فهمیده بودند و بهمن جهت بود که دسته دسته فرار میکردند .

نابرده رنج ...

شعری که در زیر میخواند از ابراهیم نظری کاندیدای ۷ گروه سیاسی اثناللی است که در سال ۵۱ سروده شده است :

شاعر مگر گفت که گنج میر شود ز رنج ای برده رنج گنج ندیده بیای خیبر

آی ...
بینه بسته دستتان از رنج
و طله های فقر از پاپوشتان پیدا
داده تن بر ستمی ای کارگر ، دهقان
آستین چرکینان پاک قلب خله پیدا
عدالت ظلم

قانون اسارت زندگی زندان
با شمایم فقرمان از آسمانها نیست

بدانسانی که در افسانه بهر تیره تکرار میکردند
دیوان دشمن مردم تن آبیان
نخورده مهر بدبختی براین بیبانی پر چین
که هر جیش نشان از رنج و کارگوشتی دارد
که دشمن کرده غارت بهره کارش
و دارد میکند هرروز و شب غارت

هدف از این همه قانون عمر و جنگلی و ضد خلقی
غارت خلق است

با سدارانش ملج تاین دندان که هر فریاد را خاموش گرداند
و تا روزی که این بنیان بود بر جا
درخت کوشش دهقان نخواهد با رو برگی داد
دست بیرون از کارگر بی بهره میماند
رها بی بهر فرزندان فردا نیست

عدلی نیست
قانونی نه
هر فریادمان را تکه سری میدهد باخ
سزای باخی اینگونه خشمی نفرت انگیز است
نثار جانمان این خم
روزهای انتقام خلق نزدیک است

سروده در بهمن مآء ۵۱
از رفیق ابراهیم نظری

یاحکومت کارگران ، دهقانان و زحمتکشان شهری
یاحکومت سرمایه داران

ولی بعد از قیام بجای اینکه از ما کارگران ، از ما دهقانان ، از ما زحمتکشان کمک بگیرند برای ساختن جامعه جدید ، از سرمایه دارها دعوت کردند که برگردند و شروع کردند به تضمین دادن به سرمایه داران و متخماً این موضوع در پیش نویس قانون اساسی املاهای ۴۰ و ۴۱ و ۶۰ آمده است .

بعد از قیام وضع ما بهتر شده است . ولی بیاییم ببینیم چه تغییراتی در زندگی ما کارگران صورت گرفته مزد ناچیزمان افزوده شده و وعده هایی که میدهند و آزادیهای نسبی در کارخانه ها هم بیشتر . آنهم بخاطر پاشیده کردن ماشین سرکوب نظام طاغوت ، ارتش و واکنش که باز بدست خودمان صورت گرفت . ولی آیا دردهای ما کارگران ریشه ای حل شده است و آیا دولت و این پیش نویس قانون اساسی میتواند بدبختی ما را ریشه کن کند ، نه .

چون دولت بجای اینکه از ما کارگران برای باز سازی جامعه کمک بگیرد ، دست بطرف سرمایه داران برده از آنها میخواهد که جریهای اقتصاد مملکت را برآه باندازند تا دوباره به چون گذشته به استثمار ما مشغول گردند ، بجای آنکه از دهقانان کمک بگیرد ، برای حل مسائل کشاورزی و تقسیم زمینهای بزرگ بین کشاورزان ، زمین دارها ، فئودالها و نیروهای ضد انقلابی مانند قیامه موقت برای سرکوب دهقانان خلق کرد و همین طور ارومیه و گنبد و جاهای دیگر حمایت کرده است . آنوقت از ما میخواهند که صبر انقلابی داشته باشیم . مثل این میماند که زمین کشاورزی که دانشی میسوزد ، به دادم برسد ، اما به او میگویند صبر کن ، آنهم صبر انقلابی . ما داریم آب میرسانیم به زمینهای کشاورزی ، ولی کشاورز در انتظار آب سر حساب میشود و می بیند که آب آج ، بطرف زمین دار بزرگ منقله میروند بکشزار او .

ما صبر انقلابی داریم ، خیلی هم داریم ، ولی به این شرط که در حل مسائل اجتماعی - سیاسی از ما کمک گرفته شود ، نه سرمایه داران . و این شیوه هایی که در پیش گرفته اند بزودی آنگار میشود که نمیتوانید مسائل و مشکلات ما را حل کنید .
در این مدت ۵ ماه آنگار شد که هنوز از و طله های که طاغوتیما کارگران میزد ، ابایی ندارند . کمونیستها ، اخلاکرها ، خراب کارها ، همکارهای ساواک (اگرچه ساواکی ها همه به سر کار خود مشغولند) هر جا حرکتی و تشکیلی از کارگران برای احیای حقوق گذشته و فعلی خود دارند ، پاسدارها به آن سو هجوم می آورند . از ارتش برای سرکوبی خلق ترک و کردها و لر و عثمانر استفاده میکنند و تحت عنوان ضد انقلاب ، نیروهای خلقی را سرکوب میکنند . نمیدانیم این چه انقلابی بود که همه نیروهای انقلابی شناخته شده اش را به مردم ضد انقلابی و وابسته به عوامل بیگانه معرفی کرده اند .

نه ، این حکومت کارگران و زحمتکشان نیست ، بلکه این حکومت سرمایه داران است . اگر حالا همه چانه بیه نیروها را سرکوب نمیکند ، بخاطر اختلافی است که در درون خود دارند و البته هوشیاری و جو روحیه انقلابی خلقمان است .

به کتاب فروشی ها حمله نکردند ، که کردند به روزنامه فروشی ها حمله نکردند ، که کردند - به دفاتر سازمانهای انقلابی حمله نکردند ، که کردند و عناصر انقلابی شناخته شده را دستگیر و شکنجه نکردند ، که کردند . ذهن توده ها را شانه روز با خبرهای جعلی منحرف نمی کنند ، که میکنند . اینها همه چیزرانشان میدهد . نشان میدهد که دولت روز بروز از مردم دورتر میشود .

و در آخر می بینیم که خواسته های ما بطور اساسی و ریشه ای حل نشده است و با چنین وضعیتی نیز حیل نخواهد گشت . چرا که همان بنای بوسیده قدیمی را مشغول تعمیر و رنگ و روغن دشت هستند .
و تنها حکومتی که میتواند خواسته های ما را جوابگو باشد حکومت کارگران و دهقانان و زحمتکشان و شهتی است که رهبری طبقه کارگر ، نه سرمایه دارها ، و ما هستند سابق این شیوه دنبال کردن تدوین قانون اساسی را قبول نداریم .